



بالارفتن هرروزه آمار تلفات و مبتلایان کرونا باعث شد دولت از منع رفت و آمد به ۵ شهر بزرگ خبر دهد

سفر ممنوع!

گزارشی از خانه‌هایی که در اختیار سریال‌ها قرار می‌گیرند در گفت‌وگو با صاحبان خانه و یک مدیر تولید با سابقه

خانه به خانه خاطره



پای صحبت جمعی از نابینایان کشورمان که با هزار امید و آرزو زائر آستان مقدس علی ابن موسی الرضا علیه می‌شوند

زیارت با چشم دل

بررسی کتاب «صبح شام» به روایت حسین امیرعبداللهیان معاون پیشین وزارت خارجه

روایت ایرانی از نبرد شام

امیرعبداللهیان در این کتاب به تبیین مواضع کشورهای درگیر در بحران سوریه پرداخته و کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به دولت قانونی سوریه در طول بحران را تشریح کرده‌است. امیرعبداللهیان همچنین توضیح داده جمهوری اسلامی ایران چگونه توانسته با مقاومت و اقدامات خود، نگاه برخی کشورها از جمله روسیه را در خصوص بحران سوریه تغییر دهد. او در جای جای این کتاب از سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان تاثیرگذارترین مقام جمهوری اسلامی ایران پس از رهبر معظم انقلاب در بحران سوریه یاد کرده‌است...



منبع: Getty Images

محرمانه‌هایی درباره ایران

خودنویس

تو پیگیر دلشوره‌های منی



حامد عسگری

شاعر و نویسنده

این روزهای سال را سعی می‌کنم مشهود باشم. این روزها که می‌نویسم هم، منظورم این روزهای تقویم قمری و شمسی است. تکلیف قمری که معلوم است. ایام آخر صفر است. همان طور که یکی دو شب به محرم می‌رویم اذن می‌گیریم و مشکمی می‌پوشیم، روزهای آخر سفر می‌رویم، سر سلامتی می‌دهیم و تشکر می‌کنیم که اجازه داد امسال عزادار جدشان در محرم و صفر باشیم. به تاریخ شمسی، اما حکایتش فرق دارد. اوایل پاییز است. هم مشهد هوای ملسی دارد، هم خلوت‌تر است به نسبت تابستان و هم مهمان‌های ویژه و اصلا حاشا وی‌ای پی امام رضا این ایام مشرف می‌شوند. اوایل پاییز خاصیتش این است که مدرسه‌ها باز شده و مشهد زائر زیادی ندارد و به نسبت ایام دیگر خلوت‌تر است و نکته مهم‌ترش این که کشاورزها و روستایی‌ها (همان مهمانان ویژه) فصل برداشت محصول تابستانه‌شان تمام شده. پولی پر شالشان آمده هرچند کم و پول را آورده‌اند که خرج زیارت کنند و تبرک دست امام رضا. همین است که حرم برمی‌شود از پیرمردهای کلاه به سر و جلیقه پوشی که با پوست‌هایی آفتاب خورده و برشته و دست‌هایی ترک ترک و زخم می‌آیند، فقط صلوات بلندند بفرستند و آن قدر ساده و صمیمی و مودب با امام رضای عزیز حرف می‌زنند که بزرگ‌ترین زبان شناس‌های جهان هم می‌مانند چگونه می‌شود این همه صمیمی بود و مودب و باحیا. من عاشق این پیرمردهایم که بعد از زیارت نان و پنیر و انگور می‌خورند. معمولاً مینی بوسی و جماعتی می‌آیند مشهد. تلفن همراه ندارند و در حرم سلفی نمی‌گیرند و لایو هم نمی‌روند. پیرمردهایی که همسر و همسرشان اگر دیر کرد به جانش غر نمی‌زنند. آدرس برادران کریم و معین درباری و پارک‌های آبی و پاساژ روس‌ها را هم بلد نیستند. این پیرمردها کوه‌میخ‌های جهانند. فقط و فقط برای امام رضا می‌آیند. حرف‌هایشان را می‌زنند. زیارتشان را می‌کنند و برمی‌گردند.

جناب آقای امام رضا الان چند ماه است دلمان برای یک پلک تماشای ضریح‌تان لک زده است. دروغ چرا. بقیه نه. خودم را عرض می‌کنم. من عادی گرفته بودم زیارت‌تان را. همین که گرسنه‌ام می‌شد، همین که شارژ باتری‌ام کم می‌شد، همین که دلم جای می‌خواست یا همین که پلک‌هایم خسته می‌شد، از حرمان می‌زدم بیرون. شاید هیچ وقت به زبان نیاورده باشم، اما خب تصورم این بود شما همیشه هستید و مهربان‌تر از آنی هم هستید که از این کارهای من و امثال من دلگیر بشوید. ما را ببخشید. ما را ببخشید که لطف همیشگی‌تان عین طلوع آفتاب همیشگی است و آن را کم‌کم از یاد بردیم و قصه شد همین که می‌بینید. شما این کرونا را از سرمان بردارید. روی دلمان دستمال نمدار بکشید. ما زود زود دلمان برای شما تنگ می‌شود.

تلنگر

و تو همچنان که هستی...



علیرضا رافقی

روزنامه‌نگار

زید بن حارثه خود را سرپرستگ‌ها می‌کرد. جلوی سنگی که از روی بام می‌آمد را می‌گرفت. سنگی از روبه‌رو به سمت پیامبر خدا روانه می‌شد. جلوی سنگ پچه‌ها را می‌گرفت. سنگ پیرمرد‌ها به بدن رسول... می‌رسید. این ننگ تا همیشه تاریخ بر پیشانی طائف خواهد ماند. براه دارد، هر شهری لیاقت آن را ندارد که خودش را جلوی پای رسول خدا فرستد و بشود مدینه النبی، شهر پیامبر. آیه‌های مسدق‌آن شاهدند یک سنگ‌ریزه دست صاحبش را چطور از جامی برد. سنگ‌ریزه‌ای که ابولهب با یک دست سمت رسول خدا روانه کرد. اما هزار و چهارصد سال است قاریان قرآن می‌گویند: «بریده با هر دو دست ابولهب...» اما حساب سنگ‌های طائف چه می‌شود؟ طائفی که از پیامبر پسر خوانده‌اش زید با سنگ‌هایی از روی بام و توی کوچه، در دست کودک و پیر و جوان استقبال کرد؛ طائفی که پیامبر برای تبلیغ به آن سفر کرده بود و بعدها آن سفر را بدترین روز عمر خود نامید. خدای ابولهب با کسانانی که بدترین روز عمر رسولش را ساخته‌اند چه می‌کند؟ من یکی که حکمت صبر را نمی‌فهمم، تصورم برابرم سخت است که صبر تا کجا می‌تواند سینه‌آدم را بشمارد و آدم دم نزنند. معاهده صلح با معاویه را که پذیرفت، صبر سینه نوه رسول خدا را نتنگ کرده بود. نوه بزرگ‌تر، شبیه‌ترین نوه به پدر بزرگش بود و آن قدری هم از رحلت رسول خدا نگذشته بود که مردم ایشان را فراموش کرده باشند. این یعنی تقریباً تمام کسانی که شاهد ظلم معاویه و صبر حسن بن علی (ع) بودند پیامبر را به یاد داشتند. صبر اینجا، سفت یقنه‌ات را می‌گیرد که می‌دانی مردم به حق بودند و واقفند و باتو می‌جنگند. صبر اینجا سپینه‌ات را نتنگ می‌کند که می‌دانی حرم خانه‌ات روزی قاتلت می‌شود و نزدیک‌ترین فرماندهانت پشتت را خالی می‌کنند، اما باید بسازی که دین خدا نسوزد. نوه بزرگ‌تر رسول... را این صبرها و لطف‌ها بیشتر شبیه جدش می‌کند.

۱۴۰۰ سال است مهربانی پیامبر اسلام مقابل ظلم و تندروی دوست و دشمن ایستاده و ۱۴۰۰ سال است که به قول مصطفی عقاد- که خاک بر او خوش باد- محمد (ص) دل‌ها را فتح می‌کند. مصطفی عقاد، کارگردان فیلم سینمایی ماندگار «الرساله» که آن را با نام «محمد رسول...» می‌شناسیم در خاطرات ساخت این فیلم می‌گوید مجوز ساخت این سناریو را از دانشگاه الازهر مصر و مجمع دینی لبنان گرفته بودم و مانده بود یک مجمع اسلامی در عربستان سعودی که بسیار افراطی بود. آنها به من مجوز ندادند چون می‌گفتند تو در کار خدا دخالت می‌کنی. تو با فیلم ساختن، تصاویر را به حرکت درمی‌آوری و به آنها روح می‌بخشی در حالی که روح بخشیدن از آن خداست. مصطفی عقاد در نهایت هم فیلمش را بدون گرفتن مجوز از آن مجمع ساخت و حالا آن فیلم به جامانده و خبری از آن مجمع نیست. همان طور که پیامبر به جامانده و خبری از دین مردم طائف نیست، همان طور که حسن بن علی (ع) باقی مانده و خبری از آل امیه نیست. آنان که می‌گفتند تو زنده نمی‌مانی رفتند از دنیا ولی تو همچنان هستی

همکار محترم

جناب آقای مصطفی ابراهیمی

مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، برای آن عزیز سفرکرده غفران الهی و برای بازماندگان از ایزد منان صبر و شکیبایی مسألت داریم.

روزنامه جام جم



ویژه‌نامه استانی خراسان رضوی و آذربایجان شرقی



ضمیمه رایگان امروز